تعدد قرائات بهمثاب آیه قرآن در کلام قطب راوندی

> وقوله (حتى يطهرن) بالتخفيف معناه حتى ينقطع الدم عنهن ، وبالتشديد معناه حتى يغتسلن ، وقال مجاهد وطاوس معنى (يطهرن) بتشديد يتوضأن ، وهو مذهبنا. وأصله يتطهرن فأدغم التاء في الطاء.
>
> وعندنا يجوز وطئ المرأة إذا انقطع دمها وطهرت وان لم تغتسل إذا غسلت فرجها. وفيه خلاف :
>
> فمن قال : لا يجوز وطؤها الا بعد الطهر من الدم والاغتسال. تعلق بالقراءة بالتشديد ، وانها تفيد الاغتسال.
>
> ومن جوز وطؤها بعد الطهر من الدم قبل الاغتسال تعلق بالقراءة بالتخفيف ، وهو الصحيح ، لأنه يمكن في قراءة التشديد أن يحمل على أن المراد به يتوضأن على ما حكيناه عن طاوس وغيره ، ومن عمل بالقراءة بالتشديد يحتاج ان يحذف القراءة بالتخفيف أو يقدر محذوفا ، بأن يقول : تقديره حتى يطهر ويتطهرن.
>
> وعلى مذهبنا لا يحتاج إلى ذلك ، لأنا نعمل بالقراءتين ، فانا نقول : يجوز وطئ الرجل زوجته إذا طهرت من دم الحيض وان لم تغتسل متى مست به الحاجة. و المستحب ان لا يقربها الا بعد التطهير والاغتسال. والقراءتان إذا صحتا كانتا كآيتين يجب العمل بموجبهما إذا لم يكن نسخ.[1]

ایشان در دو قرائت «حتی یطهُرن» و «یطهّرن» میگویند «یطهّرن» یعنی «یتوضّئن». «یطهرن» هم یعنی «یطهرن من الدم».

«و قوله (حتى يطهرن) بالتخفيف معناه حتى ينقطع الدم عنهن ، وبالتشديد معناه حتى يغتسلن»؛ این را آنها گفتهاند. بعد میگویند: **«وقال مجاهد وطاوس معنى (يطهرن) بتشديد يتوضأن ، وهو مذهبنا»؛** مذهب ما این است که این دو قرائت به این صورت جمع میشود. «یطهرن» یعنی وقتی پاک شد جایز است. اما ندب چیست؟ «یتوضئن» یعنی به جای غسل وضو بگیرد.

این یک وجهش است. جلوترها در جمع بین این دو قرائت صحبت شده. چندین حکم شرعی را می‌توان از آیه استفاده کرد. منظور من این‌ها نیست. ایشان قرائات را می‌آورند، تا اینجا که بعد از اختلاف علماء اهلسنت و وجوهی که گفته‌اند، می‌گویند:

«وعلى مذهبنا لا يحتاج إلى ذلك»؛ این‌که بگوییم این است یا آن است. چرا؟ **«لأنا نعمل بالقراءتين»؛** در مذهب خودمان به هر دو قرائت عمل می‌کنیم. یک سطر بعد می‌گویند**:** « **والقراءتان إذا صحتا كانتا كآيتين»؛** دقیقاً تعبیری شیخ انصاری است که در جلسه قبل عرض کردم. **«يجب العمل بموجبهما إذا لم يكن نسخ»؛** یعنی می‌گویند دو آیه است. اگر نسخ نشده باشد باید به آن‌ها عمل کنیم.

شاگرد: نمی‌گویند دو آیه است، می‌گویند «کآیتین»، یعنی شاید دو حجت است.

استاد: نه، «کآیتین» یعنی الآن یک آیه است ولی دو قرائت است. «اذا لم یکن نسخ» به چه معنا است؟

شاگرد: حجت همینطور است.

استاد: حجت نسخ می‌شود؟! یعنی حرف عاصم که به ما رسیده در آن نسخ معنا دارد؟! ابوبکر بن شعبه از عاصم گفته «یطهّرن»، حفص از او «یطهرن» گفته، یعنی یکی از این‌ها نسخ می‌شود؟!

شاگرد: در کلام شیخ انصاری هم فرمودید اگر واقعی نباشد تعارض نصین نمی‌شود.

استاد: بله، لذا خودشان مقابل اجمال قرار دادند.

شاگرد: جلد دوم را نگاه کردید؟

استاد: گفتند اگر اجمال نص باشد، مثل این آیه است بناء بر عدم قول مشهور. اگر تعارض نص باشد، بناء بر قول مشهور است. یعنی اگر قول مشهور امامیه که می‌گویند هر دو قرائات نازل شده را نگوییم، «یطهرن» و «یطهّرن» مجمل می‌شود و نمی‌دانیم کدام است. فرمودند اگر قول مشهور را بگیریم که هر دو نازل شده، باب تعارض نصین می‌شود. همانی که در جلد اول تعارض گفته‌اند. «کآیتین» که می‌گویند به این معنا است که دو آیه نیست، بلکه دو قرائت است. ولی بنابر مشهور دو قرائت «کآیتین» است. یعنی مثل این است که درست دو آیه داشته باشیم. لذا می‌گویند «اذا لم یکن نسخ». برای قرائات خلاف مبنا که نسخ معنا ندارد.

شاگرد: «اذا لم یکن نسخ» به چه معنا است؟

استاد: یعنی دلیل داریم که یک قرائت نسخ شده؛ خُب کلام خدا بود و خدا آورده و بعداً هم نسخ کرده. اما وقتی دلیلی بر نسخ دو قرائت نداشته باشیم، قرآن است و مثل دو آیه است. یعنی یک آیه است با دو قرائت که مثل دو آیه است. این تصریحات در سه جا است. «و علی مذهبنا لا یحتاج إلى ذلك ، لأنا نعمل بالقراءتين».

مورد دومش در همین فقه القرآن است؛ راجع به قرائت یک آیه دیگری است. ذیل آیه «من النعم» می‌فرمایند:

> **ونحن نعمل بظاهر القرائتين ... والقراءتان إذا كانتا مجمعا على صحتهما كانتا كالآيتين يجب العمل بهما[2]**

«والقراءتان إذا كانتا مجمعا على صحتهما»؛ این «مجمع» همان است که شیخ الطائفه گفته‌اند یعنی الجائز. **«یجوز بین القراء، لا الشاذ». «كانتا كالآيتين يجب العمل بهما».**

در سومین مورد، سه قرائت را مطرح می‌کنند و بعد می‌فرمایند:

> **والقراءات الثلاث يجب العمل بها على الوجوه الثلاثة ، لان القرائتين فصاعدا إذا صحت فالعمل بها واجب لأنها بمنزلة الآيتين والآيات ، على ما ذكرنا في قوله تعالى « يطهرن » و « يطهرن ».[3]**

«و القراءات الثلاث يجب العمل بها على الوجوه الثلاثة، لان القرائتين فصاعدا إذا صحت»؛ یعنی از نظر ضوابط حجیت به حد اشتهار و تواتر قرآن که مبنای شیعه است، رسیده است. می‌گویند قرآن باید متواتر باشد. این صحت، صحت نزد ابن جزری نیست. این صحت، صحة القرائة است، نه صحة السند. این مبنای علماء شیعه است. صحة القرائة به چه معنا است؟ یعنی تواتر. چون علماء شیعه از شیخ مفید و شیخ طوسی این را دارند.

«لان القرائتين فصاعدا إذا صحت فالعمل بها واجب لأنها بمنزلة الآيتين والآيات»؛ این مبنای ایشان است. و لذا ببینید قرائات در زمان قطب، در فقه القرآنش رنگ فقه داشته. این جور نبوده که علوم قرآنی باشد. اگر آن عبارت را ببینید فضا، فضای فقهی است. همانی که مرحوم شیخ در رسائل فرموده‌اند طبق مشهور تعارض است، در زمان ایشان رنگ فقهی و اصولی دارد. از زمان قرن دوازدهم از فقه بیرون رفت و عمده آن هم توسط صاحب حدائق بود. شروع کردند این اجماع را خدشه کردند. محدثین قبلی زمینه‌سازی کرده بودند، حرفی نیست. اما ایشان در کتاب فقهی آنها را مطرح کردند. اگر یادتان باشد خود مرحوم فیض در مفاتیح الشرایع یک جا اینطور می‌گفتند و یک جا آنطور. خود فیض هم اینطور بودند. اما صاحب حدائق نه، با این استدلالاتی که سه امر مهم بود، خدشه کردند. گفتند شیخ مخالفت کرده، خود ابن جزری هم می‌گوید متواتر نیست، یکی هم رواياتِ حرف واحد است. با این سه استدلال محکم گفتند کلام اصحابنا الامامیه را که خودشان قبول داشتند که منظور آنها تواتر الی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است، کنار گذاشتند. بعد از آن مدام قوی شد. البته صاحب مفتاح الکرامه انصافا در فضای بعد از صاحب حدائق تراث خوبی برای آلان بحث حوزوی ما گذاشتند. چرا؟ چون در تتبع بی نظیر هستند. ولی خُب فضای آن زمان سنگین بود. ایشان حرف واحد را چه کار می‌کرد؟! کتابهایی لابه‌لای هزاران کتاب هست که آلان ما به‌راحتی می‌گردیم و یک واژه سریع پیدا می‌شود. حرف ابن عینیه، ابن وهب، طبری، طحاوی، مقدمه تفسیر قرطبی شواهد کالشمس بود دال بر اینکه معنای حرف واحد اینطور که محدثین تلقی کرده‌اند نیست.

شاگرد: مرحوم مجلسی پدر در چه کتابی این را گفته‌اند؟

استاد: مثلاً مرحوم مجلسی می‌گویند ما حق نداریم بالای این هفت قرائت و ده قرائت بخوانیم. خود مجلسی اول با اینکه می‌گویند تنها یکی از آنها درست است، این را می‌گویند. خُب اگر یک قرائت درست است شما که ده تا را می‌گویید، چرا اجازه نمی‌دهید ورای آن خوانده شود؟! چون هنوز آن

فضا باقی است. کمکم مدام در اجماع خدشه کردند و فقها بعدی فکر کردند و گفتند یکی از اینها درست است و ما نمیدانیم کدام است. وقتی نمیدانیم عاصم و نافع در چیزی که ما نمیدانیم چه کاره هستند!؟ لذا اگر بر نهج عربی هم بخوانیم کافی است. ولی هنوز زمان مجلسی اول... . در فدکیه کلمات مجلسی اول راجع به تعدد قرائات را ببینید. چندین مورد آوردهام. بحثهای خوبی دارد.

الحمد لله امروز طول نکشید. فقط در این حد که بحث تعدد قرائات محض علوم قرآنی نبوده. در فضای فقه شیعه و علماء بزرگ شیعه، فضای فقهی بود. بعد از این مناقشات امروزه دیگر کنار رفته و اصلاً در غالب بحثها رنگ بحث فقهی ندارد. لذا نظرتان باشد که این بحث اگر برایتان صاف شود و پی جویی کنید و واضح شود، مطمئن باشید که به موارد بسیار زیادی برخورد میکنید که میبینید عجب! بحث قرائات یکی از مهمترین مبادی بحث فقهی میتواند باشد که از آن استفاده میکنیم. خود من که زیاد دیدهام. عرض کردم دیگران هم گفتهاند. هر بحثی پیش میآید و یک آیه قرآن مطرح میشود، وقتی در آن آیه قرائت ها متفاوت است، شما میبینید استفادههای متعددی میکنند. مثلاً آیه «وَلَا تُضَآرَّ‌هُنَّ لِتُضَيِّقُوا۟ عَلَيْهِنَّ[4] و چند آیه دیگری که بحث میشد میدیدیم در قرائت متعدد احکام متعدد استفاده میشد. «لا تُضارِّ والِدَةٌ بِوَلَدِها[5] یا «لاتضارُّ والدة بولدها»، در اینجا قرائت قراء سبع و عشر داریم. در اینجا میبینید احکام تفاوت میکند.

---

[1] فقه القرآن، الراوندي، قطب الدين، ج 1 ، ص 55

[2] همان ۳۱۰

[3] همان ج۲ ص۲۲۵

[4] الطلاق ۶

[5] البقره ۲۳۳

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2026 10:55:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 11:20:32 توسط ... .